

# رهایی از فروپاشی از طریق دگرگونی و بازسازی اجتماعی

کریستینا ارگاس<sup>۱</sup>



ترجمه‌ی گروه مطالعاتی بوم‌اجتماعیون



تعاونی آلامار، تصویر برگرفته از فیلم «صداهای گذار» اثر نیلز آگوبلار

<sup>۱</sup>استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه تنسی

گروه مطالعاتی بوم‌اجتماعیون با هدف آگاهی‌بخشی در زمینه‌ی اکوسوسیالیسم، اکوفمینیسم و عدالت اقلیمی آغاز به کار کرده است. در این گروه، جمعی از دغدغه‌مندان حوزه‌ی محیط‌زیست، اکوفمینیسم، فمینیسم، سوسیالیسم و عدالت اجتماعی گرد هم آمده‌اند. حرکت به سوی جامعه‌ای پایدار و بوم‌دوست مبتنی بر ارزش‌های عدالت اجتماعی و محیط‌زیستی برای تمامی گروه‌ها و گونه‌ها، چشم‌انداز این گروه است. این گروه مستقل است و مسایل محیط‌زیستی را از جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی بررسی می‌کند و به نقد و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. از این رو، ما مسایل مربوط به محیط‌زیست را برپایه‌ی جنسیت، طبقه، فرهنگ، اجتماع، اخلاق، فلسفه و روندهای سیاسی می‌نگریم. تولید محتوا، کار میدانی و گفت‌وگو با جوامع محلی و یافتن راه‌حل‌های عینی از خلال این گفتگوها، بخشی از فعالیت‌های ما را تشکیل می‌دهد. مخاطبان ما، فعالان محیط‌زیست، زنان، معلمان، کارگران، کودکان، مردم تحت ستم و جامعه‌ی کویبر فارسی‌زبان هستند.

تغییر اقلیمی یک پدیده‌ی جهانی است که بر تمام سیستم‌های زیست‌کره تأثیر منفی می‌گذارد و بقای بسیاری از گونه‌ها از جمله گونه‌ی ما (انسان) را تهدید می‌کند. میانگین دمای جهانی نسبت به دوره‌ی پیش از صنعتی شدن ۱.۱ درجه سانتیگراد افزایش یافته است. اگر در دهه‌های آینده انتشار گازهای گلخانه‌ای را به صفر نرسانیم، جهان در معرض خطر بیش از ۱.۵ درجه سانتی‌گراد تغییر قرار دارد که دانشمندان آن را آستانه‌ای حیاتی در نظر می‌گیرند. تغییرات اقلیمی در حال حاضر، بر بازدهی محصولات، درگیری‌ها و تعارضات اجتماعی، رویدادهای آب‌وهوایی و اسیدی شدن اقیانوس‌ها تأثیر می‌گذارد، اینها چند مورد از آخرین فجایع برشمرد شده هستند. تا همین اواخر، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، تمرکز اصلی تلاش‌های بیشتر فعالان و محققان بوده است. با این حال، از آنجایی که حتی اگر در مسیر ۱.۵ درجه سانتی‌گراد باقی بمانیم، آب‌وهوا همچنان به گرم شدن ادامه خواهد داد، و با توجه به این‌که اثرات آن در حال حاضر به‌طور گسترده احساس می‌شود، اکنون توجه بیشتری به سازگاری

دگرگونی یا تغییر روش‌های زندگی برای زنده ماندن از رویدادهای شدید آب‌وهوایی، انقراض دسته جمعی گونه‌ها و کاهش منابع، در میان دیگر تهدیدها معطوف شده است.<sup>۲</sup> با این تغییر، لازم است سرچشمه‌ی تلاش‌هایمان از تخیلات رادیکال یا آینده‌ای را متصور شویم که از دل تجربیات مردمان تحت‌ستم بیرون آمده است؛ کسانی که استثمار سیستماتیک، بی‌ارزش‌سازی، کوچ اجباری و خشونت را تجربه کرده‌اند. این چشم‌اندازها باید شامل آزادی سایر گونه‌ها، زیست‌بوم‌ها و فضاهای طبیعی نیز باشد.<sup>۳</sup> تخیل‌های رادیکال شبیه به آنچه اریک آلین رایت<sup>۴</sup> آن را اتوپیی واقعی می‌نامد، تصور و ایجاد انواع مختلف نهادها و روابط اجتماعی است که آرمان‌ها را با فعالیت عملی ترکیب می‌کند تا اهداف رهایی‌بخش را پیش ببرد.<sup>۵</sup>

از طریق کار میدانی گسترده، دو گروه اجتماعی کوچک را مطالعه کردم، دو گروه «اورگانوپونیکو el Organopónico» و «آساگا Asağa» - هر دو نام تخلص این گروه‌ها است - تلاش می‌کنند راه‌حل‌های رؤیایی خود را در برابر فشارهای مشکلات محیط‌زیستی و اجتماعی زنده نگاه‌دارند. هر گروه حول دیدگاه‌های منحصربه‌فرد خود درباره‌ی نجات از فروپاشی شکل گرفته است و بینش‌های مهمی را در زمینه‌ی مؤلفه‌های کلیدی پایداری رادیکال که ریشه در دگرگونی و بازسازی اجتماعی دارد، ارائه می‌کند که به ایجاد روابط اجتماعی-بومی سازگارتر کمک می‌کند.<sup>۶</sup>

<sup>۲</sup> Intergovernmental Panel on Climate Change, *Climate Change ۲۰۲۲: Impacts, Adaptation and Vulnerability* (Geneva: Working Group II, IPCC, ۲۰۲۲).

<sup>۳</sup> Intergovernmental Panel on Climate Change, *Climate Change ۲۰۲۲: Impacts, Adaptation and Vulnerability* (Geneva: Working Group II, IPCC, ۲۰۲۲).

<sup>۴</sup> Erik Olin Wright

<sup>۵</sup> Erik Olin Wright, *Envisioning Real Utopias* (New York: Verso, ۲۰۱۰).

<sup>۶</sup> Christina Ergas, *Surviving Collapse: Building Community Toward Radical Sustainability* (New York: Oxford University Press, ۲۰۲۱); Kyle Whyte, "Indigenous Science (Fiction) for the Anthropocene: Ancestral Dystopias and Fantasies of Climate Change Crises," *Environment and Planning E: Nature and Space* ۱, no. ۱-۲ (۲۰۱۸): ۲۲۴-۴۲.

«اورگانوپونیکو» یک مزرعه‌ی شهری بیست‌وهفت هکتاری در هاوانا، کوبا است که متشکل از تقریباً دویست عضو در قالب تعاونی است که یازده منطقه از جمله دام، مزارع و یک مهد کودک را مدیریت کرده و اطمینان حاصل می‌کنند که هر قسمت با قسمت‌های دیگر همکاری دارد. در سراسر مزرعه از روش‌های کشاورزی زیست‌بومی استفاده می‌شود. مانند بسیاری دیگر از مزارع شهری در کوبا، «اورگانوپونیکو» بعد از دوره‌ی فروپاشی تحت عنوان تلاش برای ایجاد یک پایه‌ی محیط‌زیستی برای بقا به وجود آمد. در مقابل، آساگا یک دهکده‌ی سازگار با محیط‌زیست<sup>۷</sup> یا یک جامعه آگاه از محیط‌زیست و متشکل از ۳۰ عضو است که در زمین یک‌هکتاری واقع در شمال غربی اقیانوس آرام ایالات متحده زندگی می‌کنند. اعضای آساگا فروپاشی تمدن را نتیجه‌ی آشکار و کوتاه‌مدت اختلالات محیط‌زیستی ناشی از بی‌توجهی کلی تمدن غرب به مردم و کره‌ی زمین می‌دانند.<sup>۸</sup> آن‌ها از انواع روش‌های کشت پایدار<sup>۹</sup> برای حفظ خاک استفاده می‌کنند، از کمپوست کردن بقایای مواد غذایی تا کود دادن به باغ‌ها با کود مرغ.<sup>۱۰</sup> هر

#### <sup>۷</sup> Ecovillage

<sup>۸</sup>. فکر می‌کنم مهم است که جهت‌گیریهای بومی و دیاسپورایی به سمت فروپاشی را نیز بپذیریم. آخرالزمان تاکنون برای بسیاری رخ داده است و در حال حاضر بر بسیاری دیگر تأثیر می‌گذارد. نیروهای استعمارگر غرب کل مردم و مناظر را قتل عام، بردگی و استثمار کرده‌اند. بلایای اقلیمی به‌طور نامتناسبی بر جوامع بومی و رنگین‌پوست تأثیر می‌گذارد - در بسیاری از موارد همان جوامعی که توسط استعمار غرب و امپریالیسم از هم پاشیده شده‌اند - مهاجران اقلیمی را ایجاد می‌کنند، در حالی که در جست‌وجوی خانه‌های جدید هستند. این روند، با افزایش دما بدتر خواهد شد. کایل وایت، محقق بومی استدلال می‌کند که بحران اقلیمی کنونی و اثرات آن بر جوامع بومی، ادامه‌ی خشونت مداوم استعماری است. فعالانی مانند نویسندگان علمی-تخیلی پاییز براون و آدرین ماری براون، در مورد تأثیرات خشونت استعماری غرب، آوارگی و بردگی بر مهاجران آفریقایی بحث و فرصت‌ها و امکانات جوامع دیاسپورایی را که می‌توانند از فروپاشی تمدن غربی پدید آیند، بررسی می‌کنند.

#### <sup>۹</sup>. Permaculture

<sup>۱۰</sup>. Christina Ergas and Matthew Clement, "Ecovillages, Restitution, and the Political-Economic Opportunity Structure: An Urban Case Study in Mitigating the Antagonism between Humans and Nature," *Critical Sociology* ۴۲, no. ۷-۸ (۲۰۱۶): ۱۱۹۵-۱۲۱۱; Christina Ergas, "Barriers to Sustainability: Gendered Divisions of Labor in Cuban Urban Agriculture," in *From Sustainable to Resilient Cities: Global Concerns and Urban Efforts*, vol. ۱۴,

دو جامعه به دو طریق برای کاهش و انطباق با تغییرات اقلیمی تلاش می‌کنند: با سازمان‌دهی اجتماعی برابری‌طلبانه و تکنیک‌های کشاورزی احیاکننده.

## مشکلات مدرن

کشاورزی صنعتی - که شامل کشت تک‌محصولی، شخم زدن، استفاده از کودهای مصنوعی و آفت‌کش‌ها و استفاده از ماشین‌آلات سنگین است - هم در تغییرات اقلیمی نقش دارد و هم خود در معرض خطر است. تغییر دما، خشکسالی، سیل و تخریب خاک، بازدهی محصول را تهدید می‌کند. کشاورزی تقریباً یک‌چهارم انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی را تولید می‌کند و سیستم غذایی جهانی ما مسئول ۳۴ درصد از کل این انتشار است.<sup>۱۱</sup> پادزهر بالقوه‌ای برای کشت‌های تک‌محصولی مضر، کشاورزی احیاکننده است که اکولوژی کشاورزی و کشت پایدار، هر دو، شکل‌هایی از آن هستند. کشاورزی احیاکننده رویکردی جامع و پویا برای کشاورزی است که اهداف اجتماعی و محیط‌زیستی را یکپارچه می‌کند. این رویکرد تنوع زیستی و سلامت زیست‌بوم را ارتقا می‌دهد، کیفیت خاک را بازیابی می‌کند، مصرف و ضایعات را کاهش می‌دهد و در عین حال از جوامع پررونق و عادلانه حمایت می‌کند، با اهدافی که زمین، آب و اقلیم را در شرایط بهتری برای نسل‌های آینده باقی می‌گذارند. روش‌های احیاکننده ثابت کرده است که دی‌اکسید کربن را در زمین نگه می‌دارد، زیرا خاک‌های کشت‌نشده (غیرزراعی) کربن آزاد نمی‌کنند و گازهای گلخانه‌ای را از طریق دریافت دی‌اکسید کربن توسط گیاهان جذب می‌کنند. روش‌های احیاکننده همچنین، خاک‌های سالم و دارای تنوع زیستی را که به نهاده‌های کم‌تری نیاز دارند، بازیابی و حفظ می‌کنند، عملکرد بالاتری نسبت به خاک‌های با کیفیت پایین‌تر ارائه می‌دهند و محصولات مغذی بیشتری تولید

ed. William G. Holt (Bingley, UK: Emerald Group, ۲۰۱۴), ۲۳۹-۶۳; Christina Ergas, "Cuban Urban Agriculture as a Strategy for Food Sovereignty," *Monthly Review* ۶۴, no. ۱۰ (March ۲۰۱۳): ۴۶-۵۲; Christina Ergas, "A Model of Sustainable Living: Collective Identity in an Urban Ecovillage," *Organization and Environment* ۲۳, no. ۱ (۲۰۱۰): ۳۲-۵۴.

<sup>۱۱</sup> Crippa et al., "Food Systems Are Responsible for a Third of Global Anthropogenic GHG Emissions," *Nature Food* ۲ (۲۰۲۱): ۱۹۸-۲۰۹.

می‌کنند. کشاورزی احیاکننده تنوع زیستی خاک را با به حداقل رساندن نهاده‌هایی که به‌طور بالقوه برای میکروارگانیسم‌ها کشنده هستند، مانند آفت‌کش‌ها، حفظ می‌کند. خاک‌های سالم برای حفظ رطوبت از طریق خشکسالی و جلوگیری از فرسایش خاک از طریق سیل و سایر رویدادهای اقلیمی چشمگیر، مجهزتر هستند. بنابراین، خاک‌های سالم و دارای تنوع زیستی انعطاف‌پذیرتر هستند.<sup>۱۲</sup>

در حالی که کشاورزی احیاکننده ممکن است به‌عنوان یک استراتژی مشهود برای سازگاری و تسکین شرایط اقلیمی به‌نظر برسد، ایجاد یک سازمان اجتماعی برابری طلب از اهمیت یکسانی با آن برخوردار است. نابرابری‌های اجتماعی بر دسترسی گروه‌های آسیب‌پذیر به تصمیم‌گیری و منابعی که زندگی را تغییر می‌دهند، تأثیر می‌گذارد. در واقع، نابرابری معمولاً خود را به‌عنوان یک رابطه‌ی سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد که در آن منابعی مانند کالاهای محیط‌زیستی، قدرت و ثروت به‌طور نابرابر بین افرادی که در بالای سلسله‌مراتب اجتماعی هستند، توزیع می‌شود. خطرات و آسیب‌پذیری‌های محیط‌زیستی نیز به‌طور نابرابر توزیع می‌شوند و به‌طور نامتناسبی بر کسانی که قدرت و موقعیت کم‌تری دارند، فشار می‌آورند. تعداد فزاینده‌ای از تحقیقات انجام‌شده، نشان داده است که تقسیمات اجتماعی می‌تواند منجر به تخریب محیط زیست شود، که به نوبه‌ی خود آسیب به جوامع آسیب‌پذیر را تشدید می‌کند.<sup>۱۳</sup> به‌طور خاص، تفکیک نژادی مسکونی، باعث طولانی‌شدن رفت‌وآمد با ماشین و مسافت طی‌شده توسط وسایل نقلیه

<sup>۱۲</sup> Miguel Altieri, "Agroecology, Small Farms, and Food Sovereignty," *Monthly Review* 61, no. 3 (July–August 2009): 102–113; "Miguel Altieri," Department of Environmental Science, Policy, and Management, UC Berkeley, accessed May 24, 2022.

<sup>۱۳</sup> Lara Cushing, Rachel Morello-Frosch, Madeline Wander, and Manuel Pastor, "The Haves, the Have-Nots, and the Health of Everyone: The Relationship between Social Inequality and Environmental Quality," *Annual Review Public Health* 36 (2015): 193–209; Christina Ergas and Richard York, "Women's Status and Carbon Dioxide Emissions: A Quantitative Cross-national Analysis," *Social Science Research* 41 (2012): 965–76; Julius McGee, Christina Ergas, and Matthew Clement, "Racing to Reduce Emissions: Assessing the Relationship between Race and Environmental Impacts from Transportation," *Sociology of Development* 4, no. 2 (2018): 217–36.

شده و کیفیت کلی آب‌وهوا را بدتر می‌کند.<sup>۱۴</sup> افزایش نابرابری درآمد، با از دست دادن بیشتر تنوع زیستی، مصرف منابع، تولید زباله، انتشار مواد سمی، آلودگی آب و نرخ بقای کم‌تر کودکان زیر پنج سال مرتبط است.<sup>۱۵</sup> در تحقیقات بین‌المللی خودم، من و همکارانم دریافته‌ایم که کشورهایی که زنان قدرت سیاسی کم‌تری دارند، انتشار دی‌اکسید کربن بیشتر است.

علاوه بر این، نابرابری، میزان انتشار دی‌اکسید کربن مرتبط با رفاه انسان را افزایش می‌دهد<sup>۱۶</sup> و نه تنها منجر به نابرابری در مواجهه‌های محیط‌زیستی می‌شود که به‌طور نامتناسبی بر افراد محروم فشار وارد می‌کند، بلکه همچنین، در نتیجه‌ی آن همه در معرض سطوح بالاتری از آلاینده‌های مخرب سلامتی قرار می‌گیرند.<sup>۱۷</sup> عکس این موضوع نیز در تحقیق مشخص و مشهود است. یعنی در کشورهایی که میزان مشارکت سیاسی و سال‌های تحصیل زنان بالاتر است، تمایل به انتشار گازهای گلخانه‌ای کم‌تر، شاخص‌های پایداری کلی بالاتر، و مقاله‌های محیط‌زیستی بیشتری در نشریات معتبر

---

<sup>۱۴</sup> Rachel Morello-Frosch and Bill M. Jesdale, "Separate and Unequal: Residential Segregation and Estimated Cancer Risks Associated with Ambient Air Toxics in U.S. Metropolitan Areas," *Environmental Health Perspectives* ۱۱۴, no. ۳ (۲۰۰۶): ۳۸۶-۹۳; Rachel Morello-Frosch and Russ Lopez, "The Riskscape and the Color Line: Examining the Role of Segregation in Environmental Health Disparities," *Environmental Resources* ۱۰۲ (۲۰۰۶): ۱۸۱-۹۶.

<sup>۱۵</sup> Cushing, Morello-Frosch, Wander, and Pastor, "The Haves, the Have-and the Health of Everyone"; Nazrul S. Islam, "Inequality and Environmental Sustainability" (UN Department of Economic and Social Affairs Working Paper No. ۱۴۵).

<sup>۱۶</sup> Ergas and York, "Women's Status and Carbon Dioxide Emissions"; Christina Ergas, Patrick Greiner, Julius McGee, and Matt Clement, "Does Gender Climate Influence Climate Change?: The Multidimensionality of Gender Equality and its Countervailing Effects on the Carbon Intensity of Well-Being," *Sustainability* ۱۳, no. ۷ (۲۰۲۱): ۳۹۵۶.

<sup>۱۷</sup> Paul Mohai, David Pellow, and J. Timmons Roberts, "Environmental Justice," *Annual Review of Environment and Resources* ۳۴ (۲۰۰۹): ۴۰۵-۳۰.

دارند.<sup>۱۸</sup> تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که زنانی که در جوامعی با برابری اقتصادی جنسیتی بیشتر زندگی می‌کنند، پروژه‌های توسعه‌ای را که به نفع جامعه‌شان است، ترویج کنند.<sup>۱۹</sup> در مجموع، این نتایج نشان می‌دهد که وقتی جمعیت‌های حاشیه‌نشین به آموزش، قدرت سیاسی و منابع پولی دسترسی داشته باشند، شرایط کلی محیطی بهبود می‌یابد.

پایداری رادیکال (طرفدار تغییرات بنیادی) برای بقا کاملاً ضروری است. از آن‌رو که مستلزم برچیدن سلسله‌مراتب به‌سوی رهایی کامل است، از آن‌رو که مستلزم التیام و بازگرداندن سلامت مردم و سیاره‌ی زمین است و در عین حال از نظر اجتماعی-بومی دگرگون‌کننده است. محققان نابرابری‌های محیط‌زیستی، برای کنکاش بیشتر در ارتباط بین آسیب‌های اجتماعی و محیط‌زیستی، تأکید می‌کنند که همه‌ی ستم‌ها، خواه مربوط به گیاهان، حیوانات یا زندگی انسان‌ها باشد، به هم مرتبط هستند. دیوید نگیب پلو<sup>۲۰</sup> این پیوندها را بررسی می‌کند تا مفهومی را که او «رهایی کامل» می‌نامد توسعه دهد. این مفهوم «از عزم برای درک و مبارزه با همه‌ی اشکال نابرابری و ستم نشأت می‌گیرد». او چارچوب آزادی کامل را با هدف تسهیل جنبش‌های آزادی زمین و حیوانات بر اساس: «اخلاق عدالت‌خواهانه و ستم‌ستیز شامل انسان‌ها، حیوانات و زیست‌بوم‌ها» و ضد سرمایه‌داری مطرح می‌کند. او این محورهای مرتبط ستم را مرتبط با روش‌هایی می‌داند که انسان‌ها، غیرانسان‌ها و زیست‌بوم‌ها باهم تلاقی می‌کنند تا سلسله‌مراتبی ایجاد کنند

<sup>۱۸</sup> McKinney, "Gender, Democracy, Development, and Overshoot: A Cross-National Analysis," *Population and Environment* ۳۶, no. ۲ (۲۰۱۴): ۱۹۳–۲۱۸; Kari Norgaard and Richard York, "Gender Equality and State Environmentalism," *Gender and Society* ۱۹, no. ۴ (۲۰۱۵): ۵۰۶–۲۲.

<sup>۱۹</sup> Bina Agarwal, "'Bargaining' and Gender Relations: Within and Beyond the Household," *Feminist Economics* ۳, no. ۱ (۱۹۹۷): ۱–۵۱; Nicholas D. Kristof and Sheryl WuDunn, *Half the Sky: Turning Oppression into Opportunity for Women Worldwide* (New York: Vintage, ۲۰۰۹).

<sup>۲۰</sup> David Naguib Pellow



- امتیازات و معایب - در درون و در سراسر گونه‌ها و فضایی که در نهایت هر کدام را در معرض خطر بزرگی قرار می‌دهند.<sup>۲۱</sup>

## باززایی (بازسازی)

باززایی را می‌توان به‌عنوان فرآیند تجدید، احیا یا ترمیم پس از آسیب یا به‌عنوان یک فرآیند عادی درک کرد. من از این اصطلاح برای متمایز کردن آن از ترمیم استفاده می‌کنم، که از پیش معنای اکولوژیکی خاصی داشته است. همچنین احساس می‌کنم که می‌توان آن را برای حالات عاطفی، فیزیکی یا معنوی افراد، جوامع و زیست‌بوم‌ها به کار برد. در نهایت، باززایی در مورد بهبود و بازیابی شرایطی است که همه‌ی ما را قادر می‌سازد تا رشد کنیم، به‌ویژه جوامع و زیست‌بوم‌هایی که بیشتر به حاشیه رانده شده‌اند و توسط سیستم جهانی مورد استثمار قرار می‌گیرند. من ترویج باززایی را به انعطاف‌پذیری و پایداری ترجیح می‌دهم، زیرا هیچ یک از این دو به اندازه‌ی کافی دور نیستند. انعطاف‌پذیری به توانایی یک سیستم برای جذب اختلال و حفظ عملکرد و ساختار خود اشاره دارد، در حالی که پایداری حفظ شرایط لازم برای حمایت از نسل فعلی و آینده است. با این حال، به‌جای تلاش برای حفظ یک سیستم استثماری، باید کاری انجام دهیم تا اوضاع را برای مردم و جهان، فراسوی انسان‌ها بهتر کنیم و زمین را در وضعیت سالم‌تری برای نسل‌های آینده باقی بگذاریم. این امر مستلزم شفا و ترمیم، یا باززایی، هم برای گروه‌های به‌حاشیه رانده شده از مردم و هم برای دنیای طبیعی است.

اشکال سیستماتیک ستم باعث آسیب روحی و جسمی در سطح جامعه می‌شود و بنابراین نیاز به رویکردهای جمعی برای درمان دارد. شفای رادیکال بخشی از فرآیندی است که بر نقاط قوت و انعطاف‌پذیری جوامع تحت‌ستم متمرکز است. ابتدا، توسعه‌ی

<sup>۲۱</sup> Christina Ergas and Richard York, "A Plant by Any Other Name: Foundations for Materialist Sociological Plant Studies," *Journal of Sociology*, May ۱۸, ۲۰۲۱; David Naguib Pellow, *Total Liberation: The Power and Promise of Animal Rights and the Radical Earth Movement* (Minneapolis: University of Minnesota Press, ۲۰۱۴), ۵-۹.

یک آگاهی انتقادی یا آگاهی از اشکال سیستمی ستم، سپس اجازه دادن به این آگاهی برای اطلاع از اقدام علیه خشونت نهادینه شده و در نهایت کار فعالانه برای جلوگیری از آسیب‌های مکرر برای جوامع می‌طلبد. سوگواری و شفای جمعی نیز برای افرادی که برای عدالت اقلیمی مبارزه می‌کنند ضروری است، که هم نیاز به آسیب‌های روانی و هم گوش دادن فعال دارد. در حالی که شفای جمعی در جوامعی که تحت تأثیر خشونت نهادینه شده‌اند، حیاتی است، اقدامی فراتر از کار داخلی جامعه لازم است، زیرا تأثیرات عوامل خارجی ادامه خواهد داشت. این کار بیرونی را می‌توان نوعی مراقبت اجتماعی احیاکننده در نظر گرفت که به موجب آن مردم در مسئولیت‌های شناخت اشکال سیستمی ستم، آموزش دیگران و مبارزه با آنها سهیم هستند. شیوه‌های کشاورزی احیاکننده به بازبایی روابط انسانی و بیش از انسان<sup>۲۲</sup> و روابط متقابل کمک می‌کند.

## کشاورزی احیاکننده

کشاورزی نقطه‌ی شروع مهمی برای درک رابطه‌ی انسان‌ها با جهانی فراتر از انسان است، زیرا انسان‌ها برای زنده ماندن مجبورند غذا بخورند و کشاورزی راه اولیه‌ای است که انسان مدرن از طریق آن غذا به دست می‌آورد. کشت مواد غذایی تعامل محسوس و مستقیم انسان و زمین است. روش‌های کشاورزی احیاکننده روابط متقابل را در اولویت قرار می‌دهند، زیرا این روش‌ها کل‌نگر هستند و از زیست‌بوم‌های سالم تقلید می‌کنند، رقابت طبیعی و همکاری بین موجودات را به‌جای تلاش برای مبارزه یا کنترل طبیعت بهبود می‌بخشند و یا مانع رشد می‌شوند. آنها همچنین تنوع زیستی و همچنین خاک‌های سالم و مغذی را که به آب و دیگر نهاده‌های کم‌تری نیاز دارند ترویج و حفظ می‌کنند و از زیستگاه حیات وحش محافظت می‌کنند. دو شکل کشاورزی احیاکننده شامل کشت پایدار و کشاورزی زیست‌بومی است. آساگا در درجه‌ی اول از تکنیک‌های

<sup>۲۲</sup> «روابط بیش از انسان» به ارتباطات و تعاملات بین انسان‌ها و موجودات غیر انسانی مانند حیوانات، گیاهان، زیست‌بوم‌ها و سایر عناصر جهان طبیعی اشاره دارد. این مفهوم تشخیص می‌دهد که این روابط پیچیده و مهم بوده و فراتر از تعاملات انسان با انسان است و بر پیوستگی و وابستگی متقابل بین انسان‌ها و بقیه‌ی جهان طبیعی تأکید می‌کند. (م.)

کشت پایدار استفاده می‌کند. اورگانوپونیکو از کشاورزی زیست‌بومی استفاده میکند. هر دو از شیوه‌های مشابهی استفاده می‌کنند و توجه بین‌المللی را به دست آورده‌اند.

در دهه‌ی ۱۹۷۰، دو طبیعت‌شناس استرالیایی به نام‌های بیل مولیسون<sup>۲۳</sup> و دیوید هولمگرن<sup>۲۴</sup> کشت پایدار را به‌عنوان روشی برای رشد که زیست‌بوم طبیعی و جامعه را در نظر می‌گیرد، به‌طور رسمی تأسیس کردند. هولمگرن تأکید کرده است که «مردم، ساختمان‌هایشان و روش‌هایی که با آنها خودشان را سازمان‌دهی می‌کنند، برای کشت پایدار اهمیت دارند»<sup>۲۵</sup>. مولیسون و هولمگرن که از شیوه‌های ناپایدار کشاورزی صنعتی سرخورده بودند، ایده‌ها و تکنیک‌هایی را از دانش و شیوه‌های محلی مردم بومی و سنتی نیز به عاریت گرفتند؛ همانند روش‌های کشاورزی «هیچ کاری نکن» کشاورز و فیلسوف ژاپنی ماسانوبو فوکوکو. سه اصل اساسی کشت پایدار، مراقبت از زمین، مراقبت از مردم و به اشتراک گذاشتن مازاد – با مؤلفه‌های دگرگون‌کننده و احیاکننده‌ی پایداری رادیکال، هماهنگ است. هدف کشت پایدار، مراقبت از زمین با تقلید از نحوه‌ی عملکرد زیست‌بوم‌های طبیعی سالم به‌جای تلاش برای مبارزه با طبیعت یا کنترل آن است.

میگل آلتیری<sup>۲۶</sup> محقق کشاورزی زیست‌بومی، با کشاورزان شهری کوبا به‌منظور تحقیق و کشت و زراعت به شیوه‌ی کشاورزی زیست‌بومی در مزرعه، همکاری کرده است. او علم کشاورزی زیست‌بومی را به‌عنوان «کاربرد مفاهیم و اصول اکولوژیکی در طراحی و مدیریت زیست‌بوم‌های کشاورزی پایدار» تعریف می‌کند. این رویکرد تلاش می‌کند تا سلامت زیست‌بوم روی زمین و همچنین میکروارگانیسم‌های خاک را برای حفظ تنوع زیستی، به‌عنوان وسیله‌ای برای تثبیت جمعیت آفات محصولات کشاورزی، مانند بیماری‌ها، قارچ‌ها، حشرات، کرم‌های لوله‌ای (نماتدها) و علف‌های هرز ارتقا دهد. آلتیری توضیح می‌دهد که هدف کشاورزی زیست‌بومی ارائه‌ی «اصول اکولوژیکی

<sup>۲۳</sup> Bill Mollison

<sup>۲۴</sup> David Holmgren

<sup>۲۵</sup> David Holmgren, *Permaculture: Principles and Pathways Beyond Sustainability* (Hepburn Springs, Victoria: Holmgren Design Services, ۲۰۰۴).

<sup>۲۶</sup> Miguel Altieri

اساسی برای نحوه‌ی مطالعه، طراحی و مدیریت زیست‌بوم‌های کشاورزی پایدار است که هم مولد هستند و هم منابع طبیعی را حفظ می‌کنند و همچنین از نظر فرهنگی حساس، از نظر اجتماعی عادلانه و از نظر اقتصادی قابل‌دوام هستند». این شکل از کشاورزی از سنت‌ها، دانش و اشکال کشاورزی بومی محلی وام گرفته شده است.<sup>۲۷</sup>

هر دو «آساگا» و «اورگانوپونیکو»، در اشکال جانبی سازمان اجتماعی و کشاورزی احیاکننده، با استفاده از روش‌های مشابه کشاورزی و کشت پایدار مشغول بودند. من از این موارد برای نشان دادن این موضوع استفاده می‌کنم که بازایی می‌تواند به شکل اصول کشت پایدار - مراقبت از زمین، مراقبت از مردم و به اشتراک گذاشتن مازاد - به‌عنوان مدل‌های جایگزین توسعه به سمت عدالت اقلیمی باشد.

### مراقبت از زمین

در «آساگا»، روستاییان محیط‌زیست‌گرا، سرپرستی زمین را جدی گرفته و تلاش می‌کنند حاصلخیزی خاک و آب را حفظ و از زباله‌ها استفاده‌ی مجدد کنند. آن‌ها در کشت پایدار شرکت می‌کنند و برای این منظور، بقایای مواد غذایی را کمپوست می‌کنند، باغ‌ها را با کود مرغ کود می‌دهند و برای جلوگیری از مصرف کودهای مصنوعی و آفت‌کش‌ها، از کشت‌های چندگانه و مدیریت آفات اکولوژیکی استفاده می‌کنند. علاوه بر این، آنها آب باران را ذخیره و از آن استفاده می‌کنند، از مصالح ساختمانی ضایعاتی، مجدد استفاده کرده و آنها را به چرخه باز می‌گردانند و در محل با استفاده از تکنیک‌های ساختمان‌سازی طبیعی که از استفاده از مواد سمی جلوگیری می‌کند، ساخت‌وساز می‌کنند. آنها همچنین آب خاکستری را برای استفاده در آب‌نمای تزئینی خود فیلتر و دوباره از آن استفاده می‌کنند.

برای اجتناب از مصرف کودهای مصنوعی و آفت‌کش‌ها، روستاییان محیط‌زیستی از تکنیک‌هایی مانند کشت پایدار استفاده می‌کنند - تقلید از تنوع زیست‌بوم‌های طبیعی با رشد همزمان چندین محصول مختلف در یک مکان. به‌عنوان مثال، آنها

<sup>۲۷</sup> Altieri, "Agroecology, Small Farms, and Food Sovereignty," ۲; "Miguel Altieri."

محصولات غذایی را با محصولات پوششی مانند عدس، نخود، لوبیا و سویا می‌کارند که حاصلخیزی طبیعی خاک را افزایش می‌دهد، فرسایش را مدیریت کرده و به حفظ رطوبت خاک کمک می‌کند. ساکنان «آساگا» بر مدیریت اکولوژیکی آفات ممارست دارند، که در آن به‌طور فعال از آفات جلوگیری می‌کنند، به‌جای آنکه، پس از ورودشان تلاش کنند آن‌ها را ریشه‌کن کنند. یکی از راه‌هایی که آن‌ها این کار را انجام می‌دهند از طریق کاشت همراه است - رشد محصولات غذایی همراه با گونه‌های گیاهی غیررقابتی و دفع آفات مانند گل همیشه بهار، نعنای یا مریم‌گلی. آساگا محصولات را با آب باران جذب شده آبیاری می‌کند و پساب فعالیت‌های کم‌ضرب مانند ظرفشویی یا حمام کردن را برای فواره‌ی تزئینی خود در مرکز روستا فیلتر می‌کند.

کشاورزان شهری در «اورگانوپونیکو» نگرانی‌ها و شیوه‌های مشابهی دارند. آن‌ها از تکنیک‌های مبتنی بر کشاورزی زیست‌بومی استفاده می‌کنند که پویایی زیست‌بوم را تقلید می‌کنند، مانند ادغام چرخش حیوانی- محصول، تنوع بخشیدن از طریق چندکشتی<sup>۲۸</sup> و بهره‌گیری از روابط شکارچی-شکار حشرات برای کنترل بیولوژیکی آفات. مزرعه از یازده بخش تشکیل شده است که هر یک در رابطه با سایر بخش‌ها کار می‌کند. به‌طور خاص، این مزرعه دارای یک منطقه‌ی دام‌داری است که در آن از گاو نر برای حمل تجهیزات سنگین استفاده می‌شود و کود آن‌ها برای تغذیه‌ی کرم‌ها در ایستگاه پرورش کرم ذخیره می‌شود. در ایستگاه پرورش کرم، کرم‌هایی که در خمره‌های بزرگ و سایه‌دار زندگی می‌کنند، کود را مصرف می‌کنند و فضولات یا هوموس خود را دفع می‌کنند. سپس هوموس با کمپوست و پوسته‌ی برنج ترکیب می‌شود تا خاک و کود برای نهال‌ها تهیه شود. وقتی خاک آماده شد، آن را به نهالستان می‌برند و مقداری از آن را به همراه دانه‌ها، آفت‌کش‌های ارگانیک و آب برای سینی‌های گوجه‌فرنگی، کاهو، پیاز، سیر، گواوا، نعنای و نهال بابونه در سینی‌ها مخلوط می‌کنند. نهال‌ها در نهالستان می‌مانند تا زمانی که به اندازه‌ی کافی بزرگ شوند تا در مزرعه کاشته شوند.

<sup>۲۸</sup> Polycultures

چندکشتی رویه‌ی کشت بیش از یک گونه‌ی گیاهی در یک فضا و در یک زمان است. در انجام این کار، در چندکشتی تلاش می‌شود تا از تنوع زیست‌بوم‌های طبیعی تقلید شود.

هنگامی که در مزارع بیرون می‌آیند، توسط کشاورزان و دانشمندانی که آفات را مدیریت می‌کنند، مورد توجه قرار می‌گیرند. مدیریت آفات به اشکال مختلفی از جمله کشت مخلوط گیاهان، معرفی شکارچیان طبیعی و ساخت و استفاده از آفت‌کش‌های ارگانیک انجام می‌شود. هیچ چیز در مزرعه‌ی در «اورگانوپونیکو» هدر نمی‌رود. در طول برداشت، حتی محصولات بیش از حد رسیده یا به چاشنی یا کمپوست تبدیل می‌شوند. کشاورزان همچنین زباله‌های احتمالی را با تمیز کردن و استفاده‌ی مجدد از بطری‌های نوشابه برای محصولات با ارزش افزوده در مزرعه مانند رب گوجه‌فرنگی بازیافت می‌کنند.

ماریسلا به‌عنوان دانشمندی که جمعیت حشرات را مدیریت می‌کند، شغلی با اعتبار بالا در مزرعه‌ی شهری دارد. این شغل نیاز به آموزش و تخصص در شناسایی جمعیت‌های مفید و مضر حشرات، گیاهان و کرم‌های لوله‌ای و همچنین آزمایش با کشت‌های باکتری دارد. او با معرفی شکارچیان طبیعی و با ساخت و استفاده از آفت‌کش‌های ارگانیک، جمعیت حشرات را مدیریت می‌کند. او به من یادآوری می‌کند که هیچ حشره‌ای را آفت نمی‌داند، زیرا همه‌ی آن‌ها در طبیعت عملکردی دارند. برخی از حشرات صرفاً برای گیاهان مفیدتر از سایرین هستند و او حشرات مفیدی مانند کفشدوزک را پرورش می‌دهد تا در مواقعی که هجوم مگس‌های سفید یا شته‌هایی وجود دارد که محصولات را از بین می‌برد، رها شود. او همچنین با سایر اشکال کنترل آفات، مانند سیستم‌های فشار کشش، کشت مخلوط گیاهان همراه که آفات را از گیاهان زراعی دفع یا جذب می‌کنند، آزمایش می‌کند. به‌طور خاص، گیاهان مخلوط مانند گل همیشه بهار و آفتابگردان، آفات را جذب یا دفع می‌کنند و آلودگی به محصولات غذایی را به حداقل می‌رسانند. ماریسلا، روزانه در مزرعه قدم می‌زند و خاک و بسیاری از برگ‌ها و ساقه‌های گیاهان را بررسی می‌کند. او این کار را برای مشاهده‌ی بیماری‌های گیاهی، حشرات، و جمعیت علف‌های هرز و جمع‌آوری گیاهان و حشرات برای تغذیه‌ی حشراتی که در آزمایشگاه خود نگهداری می‌کند، انجام می‌دهد. این توجه به تنوع زیستی کشاورزی جزء مهمی از کشاورزی زیست‌بومی است. همچنین یکی از جنبه‌های ضروری پایداری محیطی است، زیرا بیماری و تخریب را به حداقل می‌رساند. این روشی است برای گوش دادن یا شنیدن طبیعت و رسیدگی به نیازهای آن به شیوه‌ای مکان‌محور که به زمین اجازه می‌دهد تا شفا یابد.

## مراقبت از مردم

به منظور حفظ کار تعاونی‌شان، تغذیه روابط اجتماعی، و حفظ یکپارچگی روانی اجتماعی، روستاییان محیط‌زیست‌گرا به روش‌های مختلف از یکدیگر مراقبت می‌کنند. این روش‌ها شامل برگزاری جلسات منظم در اجتماع، تصمیم‌گیری بر اساس اجماع، به اشتراک گذاشتن غذا، صرف غذاهای ساده، تمرین ارتباطات غیرخشونت‌آمیز و برگزاری جلسات حل‌اختلاف است. برخی از روستاییان محیط‌زیست‌گرا نیز از طریق دادوستد از مردم مراقبت می‌کنند. تعداد کمی از افراد در آنچه که صمیمیت یکپارچه نامیده می‌شود تخصص دارند، که شامل ریشه‌یابی علل اختلالات عاطفی افراد و یافتن راه‌هایی برای بهبودیابی بخش‌های زخم‌دیده‌شان است. علاوه بر این، برخی از روستاییان محیط‌زیست‌گرا شکلی از درمان و/یا حل‌اختلاف را انجام می‌دهند که در آن، هر یک از شرکت‌کنندگان به نوبت، به‌طور کامل احساسات خود را ابراز می‌کنند، در حالی که شخص دیگر گوش می‌دهد و حمایت می‌کند.

در طی بازدیدهای منظم بعدی خود از این اجتماع، با سه نفر از ساکنان، در یک گروه مطالعه درباره ارتباط بدون خشونت شرکت کردم. ما به عنوان بخشی از این گروه، کتاب مارشال روزنبرگ را در این زمینه خواندیم و در مورد این‌که چگونه می‌توانیم این سبک ارتباطی را در گفتگو با عزیزان و همچنین با آشنایان پیاده کنیم، بحث کردیم. این کتاب، شکلی از ارتباط را تشریح می‌کند که هدف آن تنش‌زدایی از تنش‌ها از طریق تمرین گوش دادن فعال و شفقت نسبت به طرف مقابل و پرسیدن یک سری سؤال برای کشف نیازهای عاطفی برآورده‌نشده زمینه‌ای آنهاست.<sup>۲۹</sup> وقتی نیازهای آن‌ها آشکار شد، این زوج می‌توانند در مورد این‌که آیا آن‌ها می‌توانند کاری برای ملاقات با آن‌ها انجام دهند یا نه، بحث کنند. دو زن که به‌عنوان مربی صمیمیت یکپارچه، در این اجتماع کار می‌کردند، در زمینه‌ی ارتباطات بدون خشونت آموزش دیدند. این شکل از ارتباط بر گوش دادن فعال تأکید داشت که هم برای شفاف‌بخشی و هم برای شکل‌های برابرتر تصمیم‌گیری ضروری است.

<sup>۲۹</sup> Marshall Rosenberg, *Nonviolent Communication: A Language of Life* (Encinitas, CA: PuddleDancer, ۲۰۰۵).

## دگرگونی

دگرگونی اجتماعی شامل تغییرات اجتماعی در مقیاس بزرگ است که سیستم‌های نابرابر را به سیستم‌های غیر سلسله‌مراتبی و عادلانه تبدیل می‌کند. بخشی از این کار، تبدیل ساختارها و روایت‌های سوءاستفاده‌کننده‌ی کنونی ما - مانند خشونت مشروع دولتی، پلیس نامتناسب جوامع رنگین‌پوست، و روایت‌هایی که به‌دنبال مشروعیت بخشیدن به ستم هستند - به روایت‌ها و ساختارهای مراقبت است. فعالان و محققان فمینیست، سیاست یا اخلاقی را که باید ما را راهنمایی کند، اخلاق مراقبت یا اخلاق عشق نامیده‌اند. بل هوکس اظهار داشت که «ارزش‌های زیربنایی یک فرهنگ و اخلاقیات آن، نحوه‌ی گفتار و عمل ما را شکل می‌دهد». او پیشنهاد کرد که ما به سمت اخلاق عشق‌محور حرکت کنیم، زیرا «بیداری برای عشق تنها زمانی اتفاق می‌افتد که ما وسواس خود را نسبت به قدرت و سلطه رها کنیم». علاوه بر این، او می‌نویسد، «پذیرش اخلاق عشق‌محور به این معنی است که ما از ساحت‌های عشق - "مراقبت، تعهد، اعتماد، مسئولیت، احترام و دانش" - در زندگی روزمره‌ی خود استفاده می‌کنیم.» درگیر شدن در اخلاق مراقبت به این معنی است که ما سعی می‌کنیم چیزها را بهتر از آنچه که آن‌ها را پیدا کرده‌ایم ترک کنیم. با توجه به اخلاق مراقبتی، می‌توانیم شروع به ترمیم، احیا و باززایی اکولوژی‌های محلی و در نهایت، زیست‌کره کنیم. اما این اخلاق ابتدا باید در داستان‌ها و روایت‌های فرهنگی بزرگ‌تر ما با دقت رسوخ کند. بنابراین، معطوف کردن تمرکز خود به‌سوی رفتار متقابل و مراقبت متقابل چیزی است که باید آن را بهبود بخشیم.<sup>۳۰</sup>

نمونه‌ای از چگونگی حرکت به سوی عمل متقابل، ارتقای مراقبت اجتماعی است. ناکیتا والرئو،<sup>۳۱</sup> یک زن مسلمان کانادایی و سازمان‌دهنده‌ی اجتماع (باهمستان)، یک

<sup>۳۰</sup> bell hooks, *All About Love: New Visions* (New York: Harper Perennial, ۲۰۰۰), ۸۷, ۹۴; Robin Wall Kimmerer, *Braiding Sweetgrass: Indigenous Wisdom, Scientific Knowledge, and the Teachings of Plants* (Minneapolis: Milkweed, ۲۰۱۳).

<sup>۳۱</sup> Nakita Valerio



پست در رسانه‌های اجتماعی در فضای مجازی منتشر کرد که در آن از مفاهیم فردگرایانه‌ی خودیاری برای جوامعی که در حال مبارزه با اشکال نهادینه شده‌ی ستم هستند، انتقاد کرد. به جای حمام در حباب صابون و پدیکور به‌عنوان راه‌حل پریشانی عاطفی، مراقبت از جامعه مستلزم آن است که دیگران در مواقعی که افراد جامعه تحت فشار هستند کمک کنند. والرئو خاطر نشان می‌کند که شناخت اشکال سیستماتیک ستم، مانند نژادپرستی، به‌عنوان تهدیدی برای سلامت عمومی و پیشبرد مراقبت‌های اجتماعی، پتانسیل شفابخشی دارد. نکته‌ی مهم در این جا مراقبت از آسیب‌پذیرترین و نیازمندترین افراد در جوامع ما برای کمک به بهبود یکدیگر است.<sup>۳۲</sup> مراقبت از جامعه یکی از ویژگی‌های مهم تحول و بازسازی اجتماعی است. بخشی از کار مراقبت از جامعه، فراهم کردن فضایی برای بهبود تروماهای جمعی و فردی، به‌ویژه در نتیجه‌ی روایت‌های ستم‌های سوءاستفاده و آزار است.

### قانون اجتماعی مراقبت

اصل دائمی مراقبت از مردم به اطمینان از این اشاره دارد که مردم می‌توانند نیازهای اساسی برای غذای سالم و سرپناه را برآورده کنند. همچنین برای روش‌هایی که جوامع خود را برای تصمیم‌گیری، مدیریت تعارض و دستیابی به اهداف بزرگ‌تر مانند ارائه‌ی آموزش، سازماندهی می‌کنند، انتظارات را تعیین می‌کند.

در «آساگا»، روستاییان محیط‌زیست‌گرا ساختارهای اجتماعی با هدف حفظ کشت پایدار را تجربه می‌کنند. به طور خاص، در جلسات دوماهه، آنها در یک شکل غیر سلسله‌مراتبی و مستقیماً دموکراتیک تصمیم‌گیری، شرکت می‌کنند. ساکنان با هم در مورد مسائل جامعه تصمیم می‌گیرند، مانند اینکه با غازهایی که در زمین‌ها هستند چه کار کنند و کمپوست را کجا ذخیره کنند. اجماع مستلزم آن است که گروه‌ها به راه‌حل‌هایی برسند که همه‌ی افراد گروه بتوانند روی آن توافق کنند. در مورد برخی از تصمیمات بحث برانگیزتر، زمانی که همه نتوانند روی یک راه‌حل توافق کنند، گروه‌ها

<sup>۳۲</sup> Nakita Valerio, "This Viral Facebook Post Urges People to Rethink Self-Care," *Flare*, April ۱۶, ۲۰۱۹.

ممکن است تصمیم بگیرند که به اجماع اصلاح‌شده دست یابند. این شکلی از تصمیم‌گیری است که به‌طور ایده‌آل همه را درگیر می‌کند و به هر یک از اعضا اجازه می‌دهد تا صدایش شنیده شود و نیازهای همه‌ی اعضای گروه در نظر گرفته شود. در عمل، همیشه آن‌طور که همه می‌خواهند پیش نمی‌رود، اما تلاشی برای برابری اجتماعی و انسجام اجتماعی است. روستاییان محیط‌زیست‌گرا همچنین از ارتباطات غیرخشونت‌آمیز و حل تعارض برای حفظ روابط در اجتماع و حفظ اعضا استفاده می‌کنند و برخی به‌عنوان مربی صمیمیت، پرستار بچه و معلم کشت پایدار کار می‌کنند.

«اورگانوپونیکو» کمی سلسله‌مراتبی‌تر از روستای محیط‌زیست‌گرا است و برای هر بخش تعدادی مدیر و یک رئیس دارد. اما تعاونی است، یعنی اعضا مالک ماشین‌آلات، نهاده‌ها و تولید هستند، اما دولت مالک زمین است و اجاره‌ی یارانه‌ای می‌گیرد. اعضا با تنظیم ساعات کاری مراقبین، از یکدیگر مراقبت می‌کنند تا بتوانند کودکان کوچک را به مهدکودک یا مدرسه برسانند. برای دوره‌های دانشگاهی اجازه‌ی مرخصی وجود دارد و به کارمندان صبحانه و ناهار را به‌رایگان می‌دهند. آن‌ها جلسات ماهانه برگزار می‌کنند که در آن اعضا در مورد مزرعه‌داری یاد می‌گیرند و در مورد طرح‌های مختلف رأی می‌دهند. بسیاری از کشاورزان گزارش می‌دهند که از کار خود لذت می‌برند زیرا می‌دانند کاری که انجام می‌دهند برای جامعه مفید است. به‌طور خاص، دو کارمند گفتند: «مردم به‌کار شما نیاز دارند و شما می‌دانید که به دیگران کمک می‌کنید.»

## مازاد را به اشتراک بگذارید

به اشتراک گذاشتن مازاد، راهی برای محدود کردن مصرف است، به طوری‌که، مردم آن‌چه را که نیاز دارند می‌گیرند اما نه بیش از حد. روستاییان محیط‌زیست‌گرا بسیاری از فضاها را به‌طور مشترک استفاده می‌کنند. جلسات اجتماعات محلی، مراسمی تشریفاتی است که در آن روستاییان محصول باغ‌های خود را به اشتراک می‌گذارند. یکی از اعضای جامعه‌ی «آساگا» اغلب نان یک نانوايي محلی را که باقیمانده‌ی نان خود را اهدا می‌کند، به اشتراک می‌گذارد. روستاییان محیط‌زیست‌گرا ابزار، دانش و سایر منابع را به اشتراک می‌گذارند. آن‌ها با جوامع روستایی اطراف‌شان به‌طور مشترک،

کارگاه‌های آموزشی درباره‌ی کشت پایدار و سازه‌های طبیعی برگزار می‌کنند. در طول اقامت، متوجه شدم که بیشتر افراد نسبت به زمان، ایده‌ها و اخلاق کاری خود کاملاً سخاوتمند هستند.

کشاورزان در «اورگانوپونیکو» مازاد را از طریق دستمزد به اشتراک می‌گذارند. در طول کار میدانی مشاهده کردم که، کشاورزان دستمزد مناسبی بر اساس استانداردهای کوبا دریافت می‌کنند و دستمزدها در مزرعه بر اساس تعداد سنوات سالانه‌ی کار در مزرعه تعیین می‌شود. کارگران با حداقل حقوق شروع به کار می‌کنند و هر پنج سال یک افزایش حقوق دارند. اگر سود بیشتری به دست بیاید، به تساوی تقسیم می‌شود.

### دسترسی به زمین

دسترسی به زمین برای جوامع خودکفا و حاکمیت غذایی ضروری است. رهبران غربی همیشه این را می‌دانستند، همان‌طور که مشهود است، پروژه‌ی عمدی و نسل‌کشی استعمار مهاجرنشین، هم‌چنان جوامع بومی را از دسترسی به زمین‌ها و منابع لازم برای بقایشان محروم می‌کند.<sup>۳۳</sup> در «اورگانوپونیکو»، دولت کوبا به کشاورزان زمین مجانی داد و سپس بعد از بحران ملی در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به تدریج به آنها زمین شهری با یارانه‌ی دولتی داد. در آساگا، روستاییان محیط‌زیست‌گرا برای ماندن در زمین باید اجاره بپردازند، که میزان انرژی را که می‌توانند به روابط اجتماعی و کشت پایدار اختصاص دهند، محدود می‌کند. اجاره‌ی زمین مانع بزرگ برای خودکفایی برای بسیاری از مردم در سراسر جهان است. همان‌طور که دیوید هاروی استدلال می‌کند، بیگانگی از ابزار تولید، جابه‌جایی از زمین و تمرکز جمعیت در مراکز شهری از ویژگی‌های مرتبط با سرمایه‌داری هستند. در سرمایه‌داری، مردم به مناطق شهری رانده شده و در نتیجه از دسترسی به زمین محروم می‌شوند. هاروی به‌طور خاص معتقد است که مالکیت زمین

<sup>۳۳</sup> Kari Norgaard, Ron Reed, and Carolina Van Horn, "A Continuing Legacy: Institutional Racism, Hunger, and Nutritional Justice on the Klamath," in *Cultivating Food Justice: Race, Class, and Sustainability*, ed. Alison Hope Alkon and Julian Agyeman (Cambridge, MA: Massachusetts Institute of Technology Press, ۲۰۱۱).

و اجاره دو مکانیسمی هستند که با ممانعت از «بازگشت کارگران به زمین و فرار از چنگال سرمایه» از خودکفایی جلوگیری می‌کنند.<sup>۳۴</sup> این عدم توانایی در بازگشت به زمین، باعث وابستگی به کسب‌وکار برای رفع نیازهای اساسی شده است. علاوه بر آن مالکیت خصوصی و اجاره، اجازه‌ی پراکندگی جمعیت انسانی ورای شهرنشینی را نمی‌دهد و از توسعه‌ی جوامع کشاورزی جدید جلوگیری می‌کند. چارلز اچ. اندرسون به‌طور مفید بیان می‌کند که چرا محدودیتی برای پراکندگی جمعیت در سرمایه‌داری وجود دارد: «تمرکززدایی، خارج از گسترش شهری، سودآور نیست».<sup>۳۵</sup> به این ترتیب، توسعه‌ی مالکیت خصوصی و مالکیت زمین باید به‌عنوان موانع ساختاری برای تسکین و سازگاری اقلیمی در نظر گرفته شود.

## نتیجه‌گیری

در عمل، تحول و بازسازی لازم برای پایداری رادیکال باید بر روابط متقابل مبتنی بر همکاری و مراقبت متمرکز باشد. اولویت دادن به این روابط است که امکان ایجاد جوامع غیر سلسله‌مراتبی، ایمن، قابل‌اعتماد، سالم و پر رونق را فراهم می‌کند. این روابط فقط بین انسان‌ها نیست، بلکه به‌طور مهمی شامل دنیای انسان و فراتر از انسان می‌شود. از طریق اخلاق مراقبتی است که گوش دادن، شفا دادن، اشتراک‌گذاری و مشارکت جمعی در تصمیم‌گیری می‌تواند رخ دهد. زمین و مردم ستم‌دیده هر دو نیازمند توجه و مراقبت هستند، به گونه‌ای که شنیده شوند و به‌طور معناداری بخشی از تصمیم‌گیری باشند و نیازهایشان برآورده شود. زمانی که ما شروع به اولویت‌بندی نیازهای آسیب‌پذیرترین افراد در میان خود می‌کنیم، زمانی است که بیشترین بهبود و بازیابی را خواهیم دید - نوع تسکینی که برای تغییر اقلیمی به آن نیاز داریم. اگرچه تحقیقات من تنها بر دو اجتماع کوچک متمرکز بود، اما معتقدم که آنها جنبه‌هایی از پایداری

<sup>۳۴</sup> David Harvey, *The Limits to Capital* (Chicago: University of Chicago Press, ۱۹۸۲), ۳۸۱-۸۲.

<sup>۳۵</sup> Charles H. Anderson, *The Sociology of Survival: Social Problems of Growth* (Homewood, IL: Dorsey, ۱۹۷۶), ۱۹۰.

رهایی از فروپاشی از طریق دگرگونی و بازسازی اجتماعی

رادیکال را نشان می‌دهند و راههایی را برای رسیدگی به چالش‌های محیط‌زیستی و اجتماعی ناشی از بحران اقلیمی مدل‌سازی می‌کنند.

پیوند با منبع اصلی:

<https://monthlyreview.org/۲۰۲۲/۰۷/۰۱/surviving-collapse-through-social-transformation-and-regeneration/>